**بسم الله الرحمن الرحیم**

**به چین یادآوری می‌کنم که روزگاری به دولت خلافت دست کمک دراز کرده و به آن پناه برده بودید**

**(ترجمه)**

**خبر**

به نقل از خبرگزاری رویترز، آگاهی‌نامه‌ای حساب رسمی شهر در صفحه انترنتی وی‌تشات، که از صفحات مشهور نامه‌نگاری چین محسوب می‌گردد، اعلان کرد که رهبران حزب کمونیستی در ارومچی کدرهای خود را در تصمیمی مبنی بر جنگ شدید و قاطع در برابر غذاهای حلال سوق داده است. ارومچی، که پایتخت اقلیم شینگیانگ چین محسوب گردیده و مسلمانان اویغور در آن زندگی می‌کنند، میزبانی کمپاینی را در برابر تولیدات حلال-با این توجیه که این کمپاین جلوگیری از دین اسلام، نجات دادن زندگی سیکولری و جلوگیری از تغذیۀ افراط‌گرایی را به اساس تعریف رهبران حزب حاکم است- به عهده دارد.

**تبصره**

دولت چین این وحشی‌گری و شنکجه‌ها را ترک نمی‌کند؛ مگر آن‌که آن را در برابر مسلمانان انجام ‌دهد و این آخرین کمپاین در برابر غذاهای حلال نبوده که طی آن تلاش می‌گردد تا هرآن‌چه که با اسلام ارتباط دارد، از بین برده شود؛ چنانچه در گذشته نیز مسلمانان از احوال‌پرسی اسلامی(السلام علیکم و رحمت الله وبرکاته) منع گردیده بودند. این واضح است که در فکر رهبران حزب کمونیستی چین، مسئلۀ شینکیانگ، که اطلاق ترکستان شرقی بالای آن می‌گردد، بیشتر از تبت، از اولویت سیاسی برخوردار است.

 قضیۀ گوشت حلال علاوه بر اهمیت آن، به عنوان قضیۀ درجه دوم به شمار می‌رود؛ درحالی‌که چیزهای بی‌شماری‌ست که دولت چین بطور مرتب برای تحقیر مسلمانان اویغور و دور ساختن آنان از هرآنچه که مربوط دین‌شان می‌گردد، از آن استفاده می‌کند؛ حتی این دولت به مجرد دانستن این‌که این مسلمانان به زبان رسمی صحبت نمی‌کنند و زبان آنان چینایی رکیک است، دستگیرشان می‌کند. روی همین ملحوظ، قبلاً مقامات دولت چین کمپاینی را زیر نام "نزدیکی ادیان" به راه انداخته بودند که در آن مسلمانان ترکستان شرقی به زندگی بی‌خدایی و ملحدگری چینائی‌ها با روش مهمانی و میزبانی در خانه‌های‌ خودشان مجبور می‌شدند.

گزارش‌ها به کرات می‌رساند که حکومت چین در این اقلیم به تعداد صدها تن را گرفتار نموده و آمار افرادی‌که شکنجه شده اند، از مرز میلیون می‌گذرد. چین زندانیان را بخاطر ترس و وحشت و نیز از بین بردن هویت‌شان، امر به انجام کارهای ناپسند می‌کنند که بر اساس آن دوستی‌شان را به حزب کمونیستی چین و دولت اظهار نمایند. هدف از این نظامی‌گری‌ها "اعادۀ سیاسی" است که علیه این مسلمانان شدیدترین انواع عذاب جسمی و روانی را روا داشته و آنان را مورد بازپرسی‌های روزمره قرار می‌دهند. هم‌چنان، اکثریت مسلمانان را به شکل تنهایی در سلول انفرادی نگهداشته و به حفظ و تکرار شعارهای وطنی چینایی و شعارات حزب کمونیستی مجبور می‌سازند. این یک بخش کوچک از انواع عذاب و وحشی‌گری‌ست که علیه مسلمانان در چین صورت می‌گیرد و هیچ‌‌کسی به نصرت‌شان نشتافته و هیچ یک از نظام‌ها در سرزمین‌های اسلامی پروای آنان را نداشته و نه هم پروای عذابی‌ را که آنان می‌کشند، دارند؛ بلکه با نظام چین روابط دیپلوماسی و تجارتی بر قرار کرده‌اند و می‌کنند.

فکر نکنم، دولت چین و حزب کمونیست آن، تاریخ مسلمانانی را فراموش کرده باشند که آنان را مورد ستم قرارداده‌اند. چنانچه فکر نمی‌کنم آن‌ها ابو جعفر منصور را-که در سال 756هـ.ق، چینائی‌ها بخاطر خاموش ساختن شورش‌هایی‌که از سوی"آن لوشان"، انقلاب کنندۀ چینائی که علیه حکومت دست به انقلاب و شورش زد و رد پای دو شهر چین را که عبارت اند از "لیو یانگ و تشانگان" را گرفته و امپراتور "هسوان تسانگ" را به فرار مجبور ساخت، خواستار مداخلۀ سپاه خلافت بخاطر مساعدت به آن‌ها شده بودند، فراموش کرده باشد؛ خلیفه‌ای که آنان را کمک نمود و آرامش را به سرزمین‌شان برگرداند.

چنانچه فکر نکنم دولت چین عباسی‌هایی را فراموش کرده باشد که چینایی‌ها آنان را در کتب تاریخ خود صاحبان شمشیرهای سیاه در جنگ "طلاس" نامیده اند؛ جنگی‌که رهبر ارتش‌شان "کاوسن تش" بود و مسلمانان در آن جنگ پیروز شد و هزاران تن از آنان را به قتل رساندند.

چیزی‌که بر آن متعهد هستیم، اینست که نه به چین و نه به کدام دولتی دیگری از جهان که این‌گونه مسلمانان را شکنجه نموده، ذلیل ساخته و به قتل می‌رسانند، مهلت خواهیم داد. اگر مسلمانان دارای دولت و یا رهبری می‌بودند که از آنان حمایت می‌نمود، دشمنان‌شان وسوسه‌های شیاطین خود را فراموش می‌نمودند؛ در غیر آن، این روزها دست به دست می‌شوند و وعدۀ الله متعال بدون هیچ تردیدی آمدنی‌است. در آن روز مسلمانان دوباره به حالت اول‌شان برخواهند گشت و دولت خلافت عزت و کرامت‌شان را برگردانده، از خون‌های‌شان دفاع نموده و امت اسلامی را چنانچه در گذشته بود، بر سایر ملت‌ها برتری خواهد داد و این کار بر الله مقتدر و توانا دشوار نیست.

**نویسنده: رولا ابراهیم-سرزمین شام**

**برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر**